

## انتقال اطلاعات

نوشته نورالله مرادی<sup>۱</sup>

**چکیده:** انتقال اطلاعات در سه دوره فرهنگ شفاهی، فرهنگ نوشتاری و فرهنگ بصری دارای ویژگیهای خاصی است. در روزگار ما، انتقال اطلاعات، به دو گونه است. انتقال اطلاعات علمی از کشورهای پیشرفته و صنعتی به سوی کشورهای در حال رشد و انتقال اطلاعات به معنا و مفهوم ارتباطات (بخصوص ارتباط نوده گیر). در جریان بین‌المللی اطلاعات، توزیع اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسیر انتقال اطلاعات عملاً یک طرفه است و تعادل و توازن در آن وجود ندارد. کشورهای در حال رشد، شدتاً به اطلاعات علمی نیاز دارند که عموماً کشورهای صنعتی چندان رغبتی به صدور آن ندارند، متقابلاً، کشورهای صنعتی مشتاق انتقال اطلاعات و ارتباطات از طریق برنامه‌های تلویزیونی هستند که با مقاومت کشورهای در حال رشد و سوسیالیستی روبرو شده‌اند. در مقاله درباره کشمکشهای کشورهای در حال رشد با آمریکا - بخصوص در یونسکو - گزارش مک‌براید بحث شده است.

### ۱. فرهنگ روایی

جامعه بشری همواره بر اطلاعات استوار بوده است. انسان تنها موجود زندگانی است که علاوه بر مجموعه اطلاعاتی موروثی، قادر است در دوران حیات خود اطلاعات زیادی را به کمک حواس پنجگانه از محیط اطراف خود دریافت و در حافظه خود بایگانی نماید و از آنها استفاده کند. بشر همواره به دنبال افزایش توانایی خود برای دریافت و جذب اطلاعات و استفاده و انتقال آنها بوده است. اشارات سر و دست، استفاده از موسیقی، رقص، صدای طبل، دود آتش، نقاشیها، تلاشهای انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام بوده‌اند. اما اختراع و تکامل زبان، انسان را از سایر حیوانات جدا کرد و به ارتباط

انسانی رسایی و دقت بخشید. بدین سان، فرهنگ شفاهی و کلامی شکل گرفت. رایزمن<sup>۲</sup> معتقد است که تمدن دوران ارتباط شفاهی، تمدنی است ابتدایی، سنتی و دسته جمعی. تربیت فرد در جامعه از طریق حماسه‌ها افسانه‌ها و اسطوره‌هاست که به صورت روایی و سینه به سینه به او منتقل می‌شوند، و هم نشان می‌دهند که قهرمانان بزرگ و استثنایی چگونه می‌توانند جاودانه شوند. در واقع در عصر روایی است که تفکر انسانی شکفته می‌شود و در عین حال پیوستگی خود را با امور ملموس حفظ می‌کند. (۱) در واقع، انسان در این دوره با تمام حواس خود زندگی می‌کرد. او در هر لحظه اطلاعات لازم و مورد نیاز را از طریق به کار گرفتن تمام حواس خود دریافت می‌داشت.

## ۲. فرهنگ نوشتاری

دومین دستاورد بشر که به ارتباط و انتقال اطلاعات بعد تازه و استمرار بخشید، اختراع خط بود. هزاران سال پیش قوانین و احکام مربوط به آیینهای تشریفاتی به گونه‌ای ماندگار بر الواح گلین، سنگ نبشته‌ها یا طومارها ثبت شدند. بدین ترتیب دومین مرحله از تمدن بشری که آن را فرهنگ نوشتاری (نه الزاماً چاپی) می‌نامند، آغاز شد. شیوه بیان جدید، یعنی خواندن، امتداد گسترش حس بینایی است؛ بر خلاف فرهنگ روایی که از طریق حس شنوایی به عمل می‌آمد. خطاطان مصر قدیم با هیروگلیف یا پیامهای تصویری سروکار داشتند و نویسندگان و خطاطان قرون وسطی نیز ادامه دهنده این دنیای تصویری بودند. دنیایی با ساختمان فونتیک فرهنگ مصر و یونان. آنها در حقیقت با ابزار نویسندگی خود صدا را به تصویر تبدیل می‌کردند. سوزنی که بر قرص گل پخته، خط می‌انداخت و قلمی که طوماری سفید را رنگین می‌ساخت به بدل کردن صدا و صوت به تصویر مشغول بودند. (۲) مزیت دیگر

فرهنگ نوشتاری ثبت و ضبط اطلاعات بود که به صورت طومارها و دستنوشته‌ها در کتابخانه‌ها برای نسل‌های بعد محفوظ ماند.

اختراع صنعت چاپ، در سده پانزدهم میلادی، به فرهنگ نوشتاری قدرتی عظیم بخشید. مارشال مک لوهان، متفکر کانادایی، می‌نویسد: تمدن خط و کتابت تا مدت‌های مدید با مقاومت تمدن روایی روبرو بود. زیرا در آغاز کتابها به منظور قرائت و روخوانی نوشته می‌شدند. تمدن بصری در واقع با اختراع چاپ به وجود آمد، به طوری که می‌توان برای نشان دادن مجموعه پیچیده پدیدارهای فرهنگی ناشی از اختراع گوتنبرگ یا حداقل آنچه که با نام او وابسته است، اصطلاح "کهکشانشان گوتنبرگ" را به کار برد. همچنین مک لوهان معتقد است که پیش از اختراع صنعت چاپ، سخن از ابدیت گفتن، و از ابدیت اصولاً مفهوم و تصویری در ذهن داشتن غیر ممکن و محال بود. اختراع گوتنبرگ بود که با خود یک چنین مفهومی را برای انسان مغربزمین به ارمغان آورد... علاقه و توجه ویلیام شکسپیر، نویسنده و شاعر معروف، به "زمان" به صورت یک واحد مجزا از هم و قطعه قطعه شده، به نظر می‌رسد تکرار اصیل قالبهایی است که در کار گوتنبرگ به چشم می‌خورد. (۳)

یکی از مهمترین ویژگی اختراع چاپ، توسعه سریع نقل و انتقال اطلاعات بود که پیش از آن با چندان قدرت و وسعت به چشم نمی‌خورد. همچنین امکان تغییر و تحریف اطلاعات در فرهنگ نوشتاری، نسبت به فرهنگ روایی که اطلاعات سینه به سینه منتقل می‌شد کمتر بود. در عصر فرهنگ نوشتاری - حتی پیش از اختراع چاپ - با ترجمه متون از زبانی به زبانی دیگر موجبات انتقال اطلاعات بین جوامع بشری فراهم آمد. البته انتقال اطلاعات از طریق سنت روایی نیز از میان برداشته نشد. به عنوان مثال، بنابر روایات، یهودیان کیمیا و علوم اعداد را، هنگام اسارت در بابل، از مغان ایرانی آموختند، یا مسلمانان رموز کاغذسازی را از چینیانی که در جنگ اسیر کرده بودند، فرا گرفتند. بدین سان تکنولوژی کاغذسازی در قلمرو اسلام

گسترش و توسعه یافت و چند سده بعد - این بار از طریق جنگهای صلیبی - به اروپا راه یافت. نمونه شاخص ترجمه و نقش آن در رشد فرهنگی را می‌توان در سده‌های دوم و سوم هجری در تاریخ اسلام دید که به نهضت ترجمه شهرت یافته است. در سده دوم هجری که مردم ایران و عراق و قسمتی از آسیای صغیر و ملل بحرالروم با مسلمین اختلاط یافتند و به تدریج در کارهای مختلف حکومتی و اجتماعی دخالت کردند، طبعاً اطلاعات و آداب و افکار خود را به سایر مسلمین آموختند و یا خود از اطلاعات و دانشهایی که پیش از ورود به دین اسلام داشتند استفاده کردند و چون این اقوام دارای سابقه علمی ممتدی بودند معاشرت آنان با مسلمانان باعث شد که علم توسعه پیدا کند. نهضت ترجمه و نقل علوم که در سده‌های دوم و سوم با قوت تمام وجود داشت در سده چهارم هم ادامه یافت و در آن سده نیز مترجمان بزرگی ظهور کردند. این مترجمان کتابهای زیادی در منطق، مابعدالطبیعه، طب، هندسه، حساب، هیئت، کیمیا، فلاح و حکمت و غیره را به زبان عربی ترجمه کردند و از این راه علوم ملل دیگر آن زمان در دسترس علمای اسلام قرار گرفت. مسلمانان افکار و نظریات مندرج در این ترجمه‌ها را بر وفق سازمان درونی خود و اساسی که وحی قرآنی برای آن نهاده بود، جذب می‌کردند. محمد علی‌فروغی در جلد اول سیر حکمت در اروپا می‌نویسد: حوزه‌های علمیه مسیحی، در قرون وسطی، با افکار افلاطون و ارسطو، از طریق ترجمه‌های آثار فلاسفه بزرگ اسلامی (همچون ابن‌رشد، فارابی و ابن سینا) به لاتینی آشنا شدند. زیرا رومیان پس از حمله به یونان، آثار این حکما را نابود کرده بودند. بعدها، وقتی نسخه‌هایی از آثار فلاسفه یونانی کشف شد، اصل آن کتابها به لاتینی ترجمه گردید.

اما به کمک صنعت چاپ، کتاب به عنوان یک رسانه و ناقل اطلاعات، در تیراژ زیاد چاپ و در دسترس همه قرار گرفت و فرهنگ را به شینی قابل مصرف تبدیل کرد. در فرهنگ نوشتاری ابن عقیده القا شد که دانش واقعی

تنها آن چیزی است که به رشته تحریر در آمده. و از قالب واقعیات ملموس جدا شده و اعتباری جهانی و همگانی یافته است، زیرا که می‌تواند به طور یکنواخت در هزاران نسخه به چاپ برسد. بدین صورت انسان در جهت مکتب اصالت عقل دکارت قرار می‌گیرد که حقایق عقلی را ماورای تفاوت‌های فردی قرار می‌دهد. (۵)

ویژگی عمده چاپ و فرهنگ چاپی این است که هدایت میراث فرهنگی از درون رواج داد. دیگر افراد جامعه برای انتقال اطلاعات نیاز ندارند رودرروی هم بنشینند و با کمک زبان، ارتباط برقرار کنند. در این فرهنگ، افراد در خلوت یا به صورت منفرد در کتابخانه، کتاب خود را می‌خوانند. انسان فرهنگ چاپی، انسانی است از درون هدایت شده که خود را به صورت فرد گرایی، ویژه گرایی، زندگی در جامعه‌ای مبتنی بر حسابگری و نفع پرستی تجلی دهد. (۶)

اختراع ماشین چاپ، بار دیگر مشکل دیرین آزادی اندیشه را - آنهم در سطحی وسیع‌تر - مطرح کرد. هرچند چاپ صنعت چاپ را تکفیر کرد، اما انتقال سریع‌تر و گسترده‌تر اطلاعات، از طریق کتابهای چاپی - حکام و پاسداران عقاید سیاسی و مراکز مذهبی آن زمان را به وحشت انداخت و لازم آمد تا از جریان "اندیشه‌های خطرناک" جلوگیری کنند. چاپخانه‌ها تنها با داشتن پروانه کار اجازه فعالیت داشتند و پیاپی کارشان متوقف می‌شد، یا اینکه واقعاً از میان می‌رفتند. از افکار بدیع در عرصه فلسفه و علوم طبیعی به زشتی یاد می‌شد و بسیاری کسان را که اکنون به نام خردمندان پیشتاز از احترام برخوردارند از نشر افکارشان باز می‌داشتند، از مراکز علمی کنارشان می‌گذاشتند و با تهدید به مجازات‌های ترسناک، نظیر زندان و مرگ، وادار به چشم پوشی از عقایدشان می‌کردند.

در سده هفدهم به دنبال کتاب، جزوه و سپس روزنامه پدید آمد. روزنامه‌ها با انتقال اطلاع و آگاهی‌هایی درباره بازرگانی، کالاها، بازرگانی

کشتیها و مانند اینها، خدمتی بزرگ به نظام سرمایه‌داری نوپا کردند. در پایان سده هیجدهم مبارزه برای آزادی مطبوعات به پیروزی رسید. هر چند تلاشهایی پراکنده به منظور محدود ساختن این مبارزات تا مدتها بعد، در حقیقت تا به امروز ادامه یافت. منظور از این آزادی، انتشار "افکار عمومی" بود. (۷)

### ۳. فرهنگ بصری

با اختراع سینما، رادیو و بخصوص تلویزیون، مرحله جدیدی در تمدن بشری پیش آمد که می‌توان آن را فرهنگ بصری نامید. اکنون این وسایل ارتباط جمعی هستند که افراد را می‌سازند، آن هم نه در میان جمع خانواده یا در گوشه عزلت، بلکه در میان گروه دوستان و همسالان. این آموزش در تمام طول زندگی انسان تداوم پیدا می‌کند. با پیدایش وسایل ارتباط جمعی، بخصوص تلویزیون، ما شاهد شکوفایی زندگی اجتماعی نوینی هستیم که فرد را مجدداً به دامن گروه اجتماعی پرتاب می‌کند و به او روحیه جمع‌گرایی اعطا می‌کند. از آنجا که شیوه نشر هر فرهنگ بر محتوا و شکل آن فرهنگ تاثیر می‌گذارد، به نظر مک لوهان میان نظامهای ارتباطی یک دوره و محتوای فرهنگی پیامهایی که تمدن این دوره انتشار می‌دهد رابطه مشخصی وجود دارد. عامل اول یعنی نظام ارتباطی تعیین کننده عامل دوم یعنی محتوای فرهنگی پیامهاست. (۸)

نکته مهم این است که در دوره سوم، استفاده از حواس بشری بیشتر شده است و نباید آن را رجعت به فرهنگ شفاهی که فقط از حس شنوایی استفاده می‌شد پنداشت، هر چند می‌توان گفت که تسلط رسانه‌های همگانی منجر به کاسته شدن اهمیت بینایی به نفع کلیه حواس، خاصه شنیدن شده است. مک لوهان معتقد است که با به کارگیری رسانه‌های جدید و بخصوص وسایل الکترونیکی جدید بشر به نظام قبیلای رجعت کرده است، ولی نه نظام قبیلای

بسته چند هزار سال پیش، بلکه نظام قبیله‌ای در سطح جهانی. از این روست که از "دهکده جهانی" در آثار خود نام می‌برد. در چند دهه اخیر، با پیشرفت خیره‌کننده وسایل ارتباطی الکترونیک و انقلابی که در زمینه اطلاعات / ارتباطات به وجود آمد، تغییرات بسیار زیاد و عمیقی حادث شده است. در جوامع امروزی خطوط مخابراتی، وسایل ارتباط همگانی، کامپیوتر، تلکس، تله‌تکست و فکس و امثال آنها ملل مختلف را به یکدیگر مرتبط و نزدیکتر ساخته و عملاً جانشین بزرگراهها شده‌اند تا آنجا که می‌توان عامل مسافت را نادیده انگاشت.

با پیشرفت تکنولوژی و رشد ارتباطات - بخصوص رسانه‌های همگانی - تعریف "انتقال اطلاعات" نیز اختصاصی‌تر شده است. از جمله میکی اسمیت<sup>۳</sup> و آرانگاری<sup>۴</sup> و برسون<sup>۵</sup> و اشتاینر<sup>۶</sup> در تعاریف خود "انتقال اطلاعات" را برابر و معادل "ارتباط" می‌دانند<sup>۷</sup>. از این رو، اگر انتقال اطلاعات در دوره‌های اول و دوم (فرهنگ شفاهی و کتبی) را ترجمه آثار و افکار از یک زبان به زبان دیگر بدانیم، در دوره سوم (فرهنگ بصری) به دلیل اختلاف شدید علمی و فنی میان جوامع پیشرفته و کشورهای جهان سوم، این کار (یعنی ترجمه) بایستی بیشتر و منظم‌تر انجام گیرد، تا متخصصان کشورهای جهان سوم بتوانند از اطلاعات علمی کشورهای پیشرفته استفاده نمایند. اما، در صورتیکه "انتقال اطلاعات" را معادل "ارتباطات" بدانیم، با گسترش و رشد وسایل ارتباطات جمعی غربی و استفاده از ماهواره برای پخش برنامه‌های تلویزیونی، کشورهای جهان سوم با مشکل رویارویی فرهنگ ملی خود با

3. Smith
4. Aranguren
5. Berelson
6. Steiner

۷. برای اطلاعات بیشتر در باره تعاریف ارتباطات، نگاه کنید به: مهدی محسنیان راد. ارتباطات شناسی. تهران: سروش، ۱۳۶۹. ص. ۳۹ - ۵۰

فرهنگ وارداتی حاصل از انتقال تکنولوژی و هجوم بی‌امان ارزشهای فرهنگی غربی مواجهه خواهند بود. نظارت بر انتقال اطلاعات در قالب جدید یعنی رسانه‌های همگانی و تکنولوژی نوین اطلاعاتی کاری غیر ممکن است و همین موجب مخالفت شدید کشورهای جهان سوم با انتقال و جریان آزاد اطلاعات (به مفهوم ارتباطی آن) شده است. در حالیکه این کشورها برای انتقال اطلاعات علمی و فنی بایستی تلاش همه جانبه‌ای بنمایند. نکته مهم اینکه کشورهای غربی، عموماً، با انتقال اطلاعات علمی و فنی به کشورهای جهان سوم موافق نیستند. زیرا امروزه اطلاعات را بیشتر یک منبع اجتماعی ویژه به حساب می‌آورند تا یک کالای تولید شده. در کشورهای در حال توسعه و تازه استقلال یافته، نیاز به اطلاعات، خود یکی از نتایج استقلال است. چنین برآورد می‌شود که حدود نهم از مجموع اطلاعات و داده‌هایی که در پایگاه‌های اطلاعاتی در سراسر جهان نگهداری می‌شود متعلق به آمریکاست. یک چهارم این اطلاعات به سازمانهای دولتی، ۳۵ درصد به شرکتهای تجارتهای خصوصی و ۴۰ درصد به سازمانهای غیر انتفاعی آمریکا تعلق دارد. حدود ۷۵ درصد کلیه سوابق موجود اطلاعاتی در کامپیوترها مستقیماً یا به طور غیر مستقیم به علوم و تکنولوژی است که تحقیقات نظامی بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد. (۹)

این شرایط حتی کشورهای پیشرفته اروپایی را نیز به وحشت انداخته است. خطرات وابستگی فزاینده نه تنها استقلال ملی بلکه استقلال منطقهای اروپا را نیز با مشکل روبرو ساخته است. ایجاد شبکه‌های بزرگ اروپایی (از جمله شبکه اطلاعاتی یورونت Euronet که کنسرسیومی متشکل از ۹ کشور است) به منظور رویارویی با برتری اطلاعاتی آمریکاست. در حقیقت اهداف ایجاد این شبکه های اطلاعاتی هم سیاسی است و هم اقتصادی و وسیله‌ای است که از طریق آن کشورهای اروپایی امیدوارند در درازمدت بتوانند کنترل اقتصادی اروپا را در دست کشورهای آن قاره نگاه دارند.



اگر بگوییم انتقال اطلاعات نسبت به چند سده پیش - صدها میلیون برابر شده و این ایام را سالهای طلایی " تجارت داده‌ها " نام گذاری کرده‌اند (۱۰)، سخنی به گزافه نگفته‌ایم. در حقیقت، قسمت عمده اقتصاد اطلاعات از " بازسازی " تشکیل می‌شود و نقش اصلی در این فرایند به عهده اطلاعات است، تا آنجا که نظم جهانی اقتصادی به نظم جهانی اطلاعات تغییر شکل داده است. (۱۱). و " تجدید حیات " و نظم دوباره بازارها - از جمله جغرافیای آنها - نمی‌تواند بدون اطلاعات گامی به پیش بردارد.

لواسبی<sup>۸</sup> می‌نویسد: " رقابت متضمن نادانی است، همانگونه که کسانی که اقتصاددانان نیستند، رقابت را یک وضعیت تعادل نمی‌دانند، بلکه آن را یک فرایند جستجو می‌شمارند " (۱۲) در حالیکه هیروشی اینوسه<sup>۹</sup> و جان پیرس<sup>۱۰</sup> در مقاله " تکنولوژی اطلاعات و تمدن " رقابت را نیروی محرک پیشرفت می‌دانند و معتقدند که رقابت باعث می‌شود کارایی افزایش یابد و در عین حال قیمت تمام شده نیز پایین آورده شود. لیکن اینوسه و پیرس اذعان دارند که در پارهای از موارد فقط انحصار است که موجب کارایی زیاد و ایجاد نظام فراگیر و ارزان می‌شود. مثلاً شبکه تلفن را در نظر بگیرید. با وجود تکنولوژی رقمی و همگرایی شکل‌های اطلاعاتی، تلفن بخش کوچکی از نظامهای بزرگ اطلاعاتی الکترونیکی عصر ما به شمار می‌رود. این مثال نشان می‌دهد که استاندارد کردن و پیوند نظامهای اطلاعاتی جداگانه به یکدیگر کار درستی است، چون به ما امکان می‌دهد که به یک نظام نیرومند ارتباطی و اطلاعاتی دست پیدا کنیم.<sup>۱۱</sup> اما با انحصار، مسئله اداره دولت مطرح می‌شود. در درون

8. Loasby

9. Hiroshi Inose

10. John R. Pierce

۱۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: هیروشی اینوسه و جان ر. پیرس. «تکنولوژی اطلاعات و تمدن»، جهان در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه علی اسدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷. ص. ۱۶۷-۱۷۹.

مرزها، وجود مقررات دست‌وپاگیر می‌تواند مزاحم ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی و انتقال اطلاعات باشد و در سطح بین‌المللی نیز حاکمیت دولتها نقش بسیار مهمی در قبول یا رد جریان آزاد اطلاعات دارد. این نکته نیز حایز اهمیت است که اطلاعات "کهنه" همگانی است و فضایی را در انتشارات، بایگانیها و آرشیوهای سازمانهای دولتی اشغال کرده و به راحتی می‌توان به آنها دست یافت. لیکن اطلاعات "جدید" بیشتر خصوصی است، و در سراسر بافت سیاسی - اقتصادی جامعه پراکنده است و برای دستیابی به آنها باید به شرکتهای خصوصی مراجعه کرد. این جستجوی اطلاعات جدید که از بین‌المللی شدن و فروپاشیدگی نظم بازار(به معنای کلاسیک و داخلی آن) نیرو می‌گیرد دلیل موجه رشد نوپای صنایع اطلاعاتی بهم پیوسته<sup>۱۲</sup> در سراسر جهان است. بدین ترتیب قابلیت داد و ستد<sup>۱۳</sup> فضای اطلاعات و دستیابی اختصاصی به آن از طریق نظامهای اطلاعاتی جغرافیایی افزایش یافته است. این امر به کمک ابداعات شبکه‌های کامپیوتری میسر شده است. همگام با اقتصاد و جغرافیای اطلاعات "جریان بین‌المللی اطلاعات" رشد یافته است و موضوع آزادی دستیابی به اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات مطرح شده است. اما دستیابی اطلاعات با مشکلات بسیار زیادی روبرو است.

از نظر فنی، استاندارد کردن اطلاعات کاری بسیار مشکل است. چه در مورد زبان، و چه در مورد حروف چاپی، اندازه کاغذ، کدها و حروف ماشینهای تحریر، واحدهای اندازه گیری و مقیاسات و امثال آنها. از نظر سیاسی، هیچ دولتی حاضر نیست که کلیه اطلاعات خود را در دسترس همگان قرار دهد. حتی دستیابی به اطلاعاتی که جنبه شخصی و خصوصی دارد نیز عملی نخواهد بود. اما اگر بشر بخواهد در دنیای پیچیده آینده از تمام توان وامکانات تکنولوژی اطلاعاتی استفاده کند، راهی جز همیاری مؤسسات

12. On-line

13. Marketability

گوناگون اطلاعاتی و ارتباطی و تولید کنندگان سخت‌افزارها و همکاری میان بخش دولتی و خصوصی در پیش رو ندارد. در سطح بین‌المللی نیز بایستی عدم برابری و عدم تعادل در ارتباطات و تبادل اطلاعات میان کشورهای جهان از بین برود. مثال زیر می‌تواند وسعت و عمق عدم تعادل و تبادل ارتباطات و اطلاعات بین کشورهای پیشرفته و جهان سوم را نشان دهد:

در جریان مذاکرات سادات و بگین در قاهره، هواپیمای مخصوص ریاست جمهوری آمریکا گروهی از مشاوران آمریکایی را در فرودگاه قاهره پیاده کرد. یکی از این مشاوران در صدد برآمد که سریعاً با یکی از همکارانش در هتلی واقع در مرکز شهر قاهره تماس تلفنی برقرار کند. ولی تلفن هتل مشغول بود. مشاور مذکور بار دیگر سعی کرد که تماس تلفنی با آن هتل برقرار کند، ولی این بار تلفن به کلی از کار افتاده بود. مشاور که بسیار عجله داشت، به هواپیما بازگشت و از طریق ارتباط ماهواره‌ای از باند فرودگاه قاهره با واشنگتن تماس برقرار کرد و سپس مجدداً از طریق ماهواره، از فاصله پانزده هزار کیلومتری با هتل مستقیماً تماس گرفت. قدر مسلم این است که مشاوران سادات در فرودگاه کندی نیویورک قادر به انجام این کار نبودند (۱۳) و احتمالاً نیازی نیز این چنین برای آنها پیش نمی‌آمد.

مثال دیگر مقایسه رسانه‌های ارتباطی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. در سال ۱۹۸۷ از ۴۰۰ میلیون تلفن موجود در سطح جهانی تنها ۳۰ میلیون تلفن به آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا که ساکنان آن ۳/۴ جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهند تعلق داشت. (۱۴)

یک مثال دیگر که حاصل برتری تکنولوژی است گردآوری اطلاعات پیرامون منابع زیرزمینی کشورهای در حال توسعه از طریق ماهواره‌ها و بدون برقراری تماس مستقیم با این کشورهاست. این کار توسط ناسا صورت می‌گیرد. شرکتهای بزرگ آمریکایی، اطلاعات گردآوری شده به وسیله عکسهای ماهواره‌ای را به موجب قانون آزادی اطلاعات به نفع خود مورد

استفاده قرار می‌دهند. کشورهای مورد بحث ممکن است به دلایلی مایل نباشند که اطلاعات مربوط به منابع زیرزمینی یا وضع محصولات کشاورزی آنها انتشار یابد، یا ممکن است این کشورها از وجود چنین منابعی در خاک خود مطلع نباشند، ولی در شرایط فعلی نمی‌توانند از اشاعه این اطلاعات ممانعت به عمل آورند. شرکتهای معدنی آمریکایی (یا دیگر شرکتهایی که به این اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند) پیش از آنکه کشورهای در حال توسعه به وجود منابع زیرزمینی خود پی ببرند پیش دستی کرده و نسبت به کاوش و استخراج این منابع اظهار تمایل می‌کنند. به موجب قطعنامه ۶۲۶ سازمان ملل متحد هیچ کشوری نمی‌تواند مانع اعمال حق حاکمیت دیگر کشورها بر منابع طبیعی‌شان گردد، ولی عکسبرداری از طریق ماهواره و پی بردن به منابع کانی دیگر کشورها دقیقاً عملی است که مغایر با این قطعنامه صورت می‌گیرد. جلوگیری از این اقدام عملی نخواهد بود... (۱۵)

#### ۴. جریان بین‌المللی اطلاعات

پژوهش درباره جریان بین‌المللی اطلاعات، در حوزه ارتباطی بین‌المللی، در دهه گذشته از رشد حیرت‌انگیزی برخوردار بوده است. دکتر حمید مولانا عوامل این افزایش را به شرح زیر خلاصه می‌کند:

۱. توسعه تکنولوژیهای ارتباطات و اطلاعات نوین، و استفاده و تاثیر آنها بر ماهیت، حجم و محتوای اطلاعات و ارتباطات.

۲. آگاهی روز افزون دولتهای ملی، نهادها، گروهها و افراد از اهمیت جریان اطلاعات، عدم تعادل موجود، و نتایج و تاثیر آنها بر فرایند تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی و همچنین بر زندگی خصوصی و فردی در سراسر دنیا.

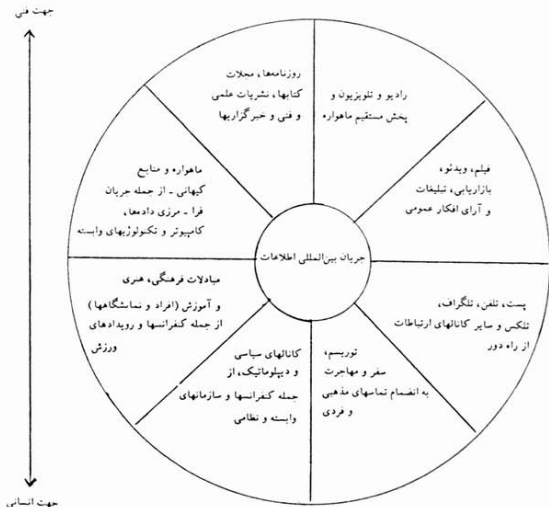
۳. افزایش کمی فعالین بین‌المللی و فراملی<sup>۱۴</sup> در بیشتر جنبه‌های جریان بین‌المللی اطلاعات، با انشعابات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به ویژه در حوزه‌هایی چون تجارت، بازاریابی، آموزش و پرورش و فرهنگ.

۴. عنایت بیشتر به مطالعات فرهنگی تطبیقی و همچنین به افکار عمومی و مطالعات صورت ذهنی همراه با دقیق‌تر کردن ابزارهای تجسس و پژوهش که در اختیار داریم و از طریق بهتر کردن وسایل گردآوری، مرتب کردن، بازیابی و اشتراک در داده‌ها.

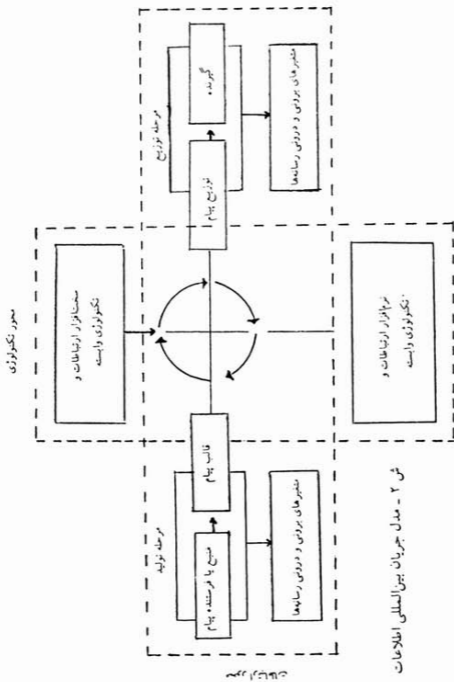
۵. و از همه اختصاصی‌تر بحثی که در دهه ۱۹۷۰ بر سر نظام نوین اقتصاد بین‌المللی و نظام نوین جهانی ارتباطات / اطلاعات در گرفت، به ویژه اعلامیه‌ها و فعالیتهای یونسکو درباره جریان اطلاعات و سیاستهای ارتباطات و بحثهای تبعی آن بر سر روابط بین جنبه‌های اقتصادی و ارتباطی منابع جهانی. همچنان که تهیه اطلاعات، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی، با نرخ خارق‌العاده افزایش می‌یابد، اطلاعات و دسترسی مناسب به آن در حکم ابزاری هستند که موجب کاهش وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌گردند. در شکل ۱ کانالهای مختلف جریان اطلاعات در سطح بین‌المللی نشان داده شده است.

پس آنچه در انتقال اطلاعات و جریان بین‌المللی اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد توزیع اطلاعات است.

رشد تکنولوژی ارتباطات، گسترش بازار ملی و بین‌المللی، و وضع مقررات و سیاستهای صنعتی باعث شده که مرحله توزیع به صورت مهمترین حلقه زنجیر نظامهای اطلاعاتی درآید. فایده فوری که از مرحله توزیع حاصل می‌شود در تجزیه و تحلیل فعالیتهای ارسال پیام توسط فعالین ملی است. در صورتیکه ملتی بر کل فرایند توزیع نظارت نداشته باشد، پیامهایی که ارسال می‌کند و اطلاعاتی که می‌فرستد احتمالاً فاقد تاثیر خواهد بود. درست مثل اینکه پیامی، هرچند هم استادانه طراحی شده باشد، در صورتیکه به جایی



ش ۱ - کانالها و انواع جریان بین‌المللی اطلاعات. جهت فنی و جهت انسانی



ش ۲ - مدل جریان بین‌المللی اطلاعات

ارسال نگردد و انتقال اطلاعات حاصل نشود، فاقد هر گونه تأثیری خواهد بود.

توضیح بیشتر فرایند توزیع اطلاعات در شکل ۲ آمده است که در آن محور تکنولوژی بر محور ارتباطات اضافه شده است.

شکل ۲، به گونه‌ای مناسب نقش محور تکنولوژی ارتباطات را در فرایند ارتباط بین المللی نشان می‌دهد. بین قالب و توزیع اطلاعات، ابزارهای توزیع - یعنی تکنولوژی ارتباطات - قرار دارد که به دو جزء تقسیم می‌شود. این اجزا عبارتند از سخت افزار ارتباطات که انتقال دهنده فیزیکی پیام هستند (همانند ماکروویو)، وسایل و ابزار گیرنده و پخش، و ایستگاههای تقویت کننده ماکروویو)، و نرم‌افزار ارتباطات که در مفهومی گسترده فوت و فن و ابزار فایده رسانی سخت افزار است (همانند تولید برنامه، محتوا، مهارتهای انسانی و آموزش و پرورش). در جریان بین المللی اطلاعات - بخصوص در کشورهای جهان سوم این درك نادرست و غلط به وجود آمده، و هنوز هم بر قرار است که کنترل و نظارت بر تکنولوژی و مالکیت اجزای مادی و فیزیکی برای نظارت کافی است و عملاً نظارت بر جزء دیگر که نرم‌افزار نظام باشد نادیده گرفته می‌شود. حاکمیت مطلق یک ملت بر قالب و توزیع پیام زمانی حاصل می‌شود که آن ملت بر نرم‌افزار و سخت‌افزارها نظارت داشته باشد. از این رو چهار ربع دایره‌ای که از تقاطع محور تکنولوژی و محور ارتباطات در شکل ۲ حاصل می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

گفتیم که در جریان بین‌المللی اطلاعات، عدم تعادل وجود دارد و مسیر انتقال اطلاعات عملاً یک طرفه - از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه است و این امر - بخصوص در زمینه اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به زبان کشورهای جهان سوم بوده و گاه موجب سلطه جویی کشورهای بزرگ شده است. به عنوان مثال کلیه روزنامه‌ها، خبرگزاریها، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی با نسبتهای مختلف وابسته به چهار خبرگزاری غرب



(رویترا، خبرگزاری فرانسه، یونایتد پرس، و آسوشیتد پرس) هستند که روزانه حدود ۴۰ میلیون کلمه مخابره می‌کنند در مقایسه با خبرگزاری منا (خبرگزاری خاور میانه) که میزان کلماتی که مخابره می‌کند در شبانه روز کمتر از ۲۰۰،۰۰۰ کلمه است، یا خبرگزاری تانیوگ یوگسلاوی با ۱۲۰،۰۰۰ کلمه. آیا در این شرایط می‌توان "جریان آزاد اطلاعات" را به نفع کشورهای جهان سوم دانست؟ آن هم در شرایطی که به علت پیشرفت امکانات و وسایل الکترونیکی مخابره و پخش و ذخیره اطلاعات عملاً امکان هیچ‌گونه کنترل و نظارتی برای کشورهای جهان سوم - و حتی کشورهای نسبتاً پیشرفته چون کانادا - وجود ندارد. به عنوان مثال سیستم ذخیره جا برای پروازهای داخلی بسیاری از کشورهای اروپایی (از جمله مجارستان، لهستان و چکسلواکی) به مرکز کامپیوتری نگراس وابسته است. کلیه اطلاعات مورد نیاز ادارات آتش نشانی سوئد در یک پایگاه داده‌های ویژه در ایالت فلوریدا آمریکا نگهداری می‌شود. لئونارد مارکس (رئیس سابق آژانس اطلاعاتی آمریکا) می‌گوید:

شبکه‌های الکترونیکی جهانی، در رابطه با جریان اطلاعات و تمامیت فرهنگی سوال برانگیز هستند. این شبکه‌ها مقادیر متنابهی اطلاعات را از طریق مدارهای بسیار سریع در طول مرزهای ملی جا بجا می‌کنند و علاوه بر این از اشکال مختلف سانسور سنتی نیز در امان هستند. سانسور شبکه سریع الکترونیکی ۶۴۸ میلیون خطی در ثانیه تحت هیچ عنوان امکان پذیر نیست. توسعه بین‌المللی شبکه پستی الکترونیکی، شبکه‌های اطلاعاتی، و سیستم‌های بازیابی اطلاعات بانکی در سالهای آینده بر فرهنگهای ملی بیش از هر گونه سیستم انتشاراتی اثر خواهند گذارد. (۱۹)

## ۵. مخالفت با جریان آزاد اطلاعات

اعتراض کشورهای جهان سوم به جریان آزاد اطلاعات (در حکم ارتباطات) به اواخر دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد. نخستین بار انتقاد علیه سوء استفاده کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی در جریان برگزاری سمپوزیوم "وسایل ارتباط جمعی و تفاهم بین‌المللی" مطرح شد. در این سمپوزیوم که در شهر بوبلینای یوگسلاوی تشکیل گردید بر شکاف فاحش اطلاعات مبادله شده بین کشورهای ثروتمند و پیشرفته غربی و ممالک فقیر و عقب مانده جهان سوم، تاکید شد و با تکیه بر عدم تعادل و یک جهتی بودن اطلاعات پخش شده از سوی خبرگزاریهای بزرگ جهان از ضرورت ایجاد جریان متعادل اطلاعات ۱۵ در سطح جهان، سخن به میان آمد. (۲۰)

در گردهمایی "بررسی وسایل ارتباط جمعی در جامعه" (کانادا ۱۹۶۹)، و گردهمایی پاریس در ۱۹۷۱ از جریان نامتعادل اطلاعات بین‌المللی، نظریه‌ها و الگوهای ارتباطی و همچنین شیوه‌های مطالعات و تحقیقات غربی درباره ارتباطات و حتی عملکردهای یونسکو انتقاد شد. در سال ۱۹۷۳ کمیسیون ملی یونسکو فنلاند، به دنبال پژوهش پر سر و صدای دو پژوهشگر فنلاندی درباره مسیر یک جهتی برنامه‌های تلویزیونی در دنیا، سمیناری در دانشگاه تامپر<sup>۱۶</sup> فنلاند برگزار کرد.

اورهو ککوئن، رئیس جمهور وقت فنلاند، در سخنرانی افتتاحیه خود حرکت تازه‌ای را برای ایجاد یک نظام جدید اطلاعاتی آغاز کرد و علیه دیدگاه رایج غرب درباره آزادی اطلاعات چنین گفت:

موقعی که پس از جنگ جهانی دوم، اعلامیه حقوق بشر

تنظیم گردید، دیدگاه آزادی‌گرایانه قرن نوزدهم دنیا، مبتنی بر اندیشه‌های آدام اسمیت و جان استوارت میل، سرمشق قرار داشت. آزادی فعالیت و تجارت - بگذارید عمل کنند - در دنیای سوداگری و اندیشه سیاسی، عالیترین ارزش را تشکیل می‌داد... دولت به هر کس امکان فعالیت می‌داد، اما مسئولیت نتایج آن را به عهده نمی‌گرفت، بدین گونه، آزادی قوی، به موفقیت می‌انجامید و ضعیف، با وجود این به اصطلاح آزادی، ضعیف‌تر می‌شد. در نتیجه این وضع و علی‌رغم آن، مدافعه از یک سیاست عادلانه‌تر برای جامعه و نوع بشر پدید آمد. (۲۱)

اورهو ککوئن، در پایان سخنرانی خود از اینکه سازمانهای بین‌المللی و به ویژه یونسکو و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شیوه‌های قبلی خویش را در طرفداری از نظریه " جریان آزاد اطلاعات " کاهش داده و در قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های اخیر خود، طرفداری از یک آزادی بیان مجرد را کاهش داده و در مقابل به سوی برنامه‌ریزی برای از میان بردن عدم تعادل در ارتباطات بین‌المللی گرایش یافته‌اند، ابراز مسرت کرد. (۲۲)

نظرات ککوئن به سرعت میان ۹۰ کشور تازه استقلال یافته و کشورهای کمونیست با اقبال روبرو شد. اما هنوز تا قبول و به کرسی کشاندن حرفهای او راه درازی در پیش است.

در شانزدهمین اجلاس عمومی یونسکو، در پاییز ۱۹۷۰ در پاریس، تعدادی از دولتهای عضو از " جریان آزاد اطلاعات " انتقاد کردند و همچنین الگوی " توسعه بخشی اطلاعات " که از طرف غربیها به عنوان یک الگوی واحد و جهانی ارائه شده مورد اعتراض واقع شد. در این اجلاس، وزیر وقت

اطلاعات هندوستان، گوجرال، در سخنرانی شدیدالحن خود شدیداً به نظریه جریان آزاد اطلاعات حمله کرد و خاطر نشان کرد که تعداد کلمات خیر دریافت شده هندوستان پانصد برابر بیشتر از کلمات خبری است که به خارج مخابره می‌کند! او نتیجه گرفت که جریان آزاد اطلاعات، افسانهای بیش نیست و تا زمانی که ممالک فقیر و عقبمانده از امکانات لازم برای استفاده برابر از ارتباطات و اطلاعات محروم هستند و انحصار و کنترل منابع و تکنولوژیهای ارتباطی در اختیار کشورهای بزرگ صنعتی قرار دارد، تحققپذیر نخواهد بود.

در این اجلاس، به پیشنهاد دولت شوروی قطعنامه‌ای درباره اصول کاربرد وسایل ارتباط جمعی در روابط بین‌المللی، به تصویب رسید و بر ضرورت توجه ارتباطات جمعی به تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، بهزیستی بشریت و خودداری از تبلیغات کینه‌جویانه، نژادپرستانه و جنگ‌طلبانه تأکید کرد.

هفدهمین اجلاس عمومی یونسکو گامهای بلندی در جهت مقابله با عدم تعادل اطلاعات و نابرابری ارتباطات برداشت. در این اجلاس، علی‌رغم مخالفت شدید دولت آمریکا و دفاع آن کشور از نظریه "جریان آزاد اطلاعات" با در نظر گرفتن اصل حاکمیت ملی دولتها و توافق ممالک در حال توسعه و کشورهای سوسیالیستی و چند کشور غربی - بخصوص فرانسه - اعلامیه "اصول مربوط به کار برد ماهواره‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی" در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۲ با اکثریت ۵۵ رأی موافق، در برابر ۷ رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع به تصویب رسید و به موجب آن، پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها، به کسب موافقت قبلی کشورهای دریافت‌کننده این برنامه‌ها موقوف گردید و برای انتقال پیامهای حاوی تبلیغات بازرگانی از این طریق، توافق خاص بین کشورهای تهیه‌کننده پیامها و ممالک دریافت‌کننده آن، ضروری شناخته شد.

در نوامبر همان سال به پیشنهاد شوروی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قطعنامه‌ای راجع به تهیه یک عهدنامه بین‌المللی درباره اصول حاکم بر کاربرد ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی (قطعنامه شماره ۲۹۱۶، مصوب ۹ نوامبر ۱۹۷۲) را صادر کرد که هماهنگ با اصول مندرج در اعلامیه یونسکو بود. این قطعنامه با اکثریت قاطع (۱۰۲ رأی موافق در برابر یک رأی مخالف که متعلق به آمریکا بود!) به تصویب رسید. (۲۳)

دولت آمریکا، علیرغم فشاری که در مجامع بین‌المللی، به کشورهای جهان سوم در ارتباط با پذیرش جریان آزاد اطلاعات - بخصوص در مورد استفاده از ماهواره - اعمال می‌کرد، در داخل آمریکا با مجوز "امنیت ملی" از جریان و نشت بسیاری از اطلاعات جلوگیری می‌کرد. الوین تافلر می‌نویسد:

روز ۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در کاخ سفید، پرزیدنت لیندون جانسون سندی را امضا کرد که "اعلامیه آزادی اطلاعات" نامیده شد. در مراسمی که به این مناسبت برپا شده بود وی اعلام کرد "آزادی اطلاعات آنقدر حیاتی است که نه خواست مقامات دولتی یا شهروندان خصوصی، بلکه تنها امنیت ملی باید تعیین کند که چه موقع این آزادی محدود شود".

چیزی از این سخنان نگذشته بود که گزارشگری سؤال کرد آیا می‌تواند نسخهای از پیش‌نویس اصلی این اظهارات را به دست آورد. این نخستین درخواستی بود که در پرتو کاملاً درخشان آزادیهای جدیدی که در این اعلامیه تضمین شده بود، مطرح شد.

جانسون با خونسردی تمام این تقاضا را رد کرد. (۲۴)

## ۶. گزارش مک براید

در اجلاسهای هفده و هجده یونسکو مخالفت شدید هیأت‌های نمایندگان دولتهای غربی و بخصوص آمریکا با کشورهای جهان سوم و کشورهای کمونیستی بر سر نظریه جریان آزاد اطلاعات شدیدتر شد. تا تشکیل اجلاس

نوزده، چند کنفرانس منطقه‌ای برگزار شد که عموماً با مخالفت آمریکا روبرو گردید. نوزدهمین اجلاس عمومی یونسکو، در سال ۱۹۷۶ در شهر نایروبی (کنیا) برگزار شد، که به صحنه برخوردهای سخت بین هیأت‌های نمایندگان دولتهای غربی و انجمنهای ارتباطی حرفه‌ای آنها با هیأت‌های نمایندگان دولتهای جهان سوم و کشورهای سوسیالیستی، بر سر طرح اعلامیه مربوط به وسایل ارتباط جمعی، تبدیل شد. آنها کوشیدند تا با کشورهای جهان سوم وارد معامله شوند و پیشنهاد کردند که اگر این کشورها از تصویب طرح اعلامیه صرف‌نظر کنند، آماده خواهند بود که برای ایجاد و گسترش شبکه‌های ملی ارتباطات این کشورها، مقادیر فراوانی تجهیزات پیشرفته فنی و از آن جمله ماهواره‌های ارتباطی در اختیار آنان بگذارند. بدین گونه، دولتهای غربی می‌کوشیدند که بحث درباره محتوای اعلامیه را به بحث راجع به انتقال تکنولوژی تبدیل کنند. در این اجلاس، قرار شد برای " ... بررسی مجموعه مسایل ارتباطات در جامعه معاصر ... " یک کمیسیون بین‌المللی تشکیل شود.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چندین کنفرانس از کشورهای غیرمتعهد در موزاکا (زامبیا)، الجزایر، لیما (پرو)، تونس و کلمبو برگزار شد. حاصل این کنفرانسها در جهت ضرورت و برقراری " نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات " از جمله ایجاد خبرگزاری کشورهای غیرمتعهد بود. بحث درباره جریان آزاد اطلاعات در سایر کنفرانسهای کشورهای غیرمتعهد، از جمله در هاوانا (۱۹۷۹)، دهلی (۱۹۸۳)، حراره (۱۹۸۶) و بلگراد (۱۹۸۹) ادامه یافت.

به هر صورت، " کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات " کار خود را از پاییز ۱۹۷۷ آغاز کرد. ریاست کمیسیون را شن مک براید از ایرلند بر عهده داشت و سایر اعضا عبارت بودند از: الی ابل<sup>۱۶</sup> (ایالات

متحده)، فرد آيساك آکپورو واروامو<sup>۱۷</sup> (نیجریه)، بوگدان اوزولنیک<sup>۱۸</sup> (یوگوسلاوی)، اوبر بوو- مری<sup>۱۹</sup> (فرانسه)، یوهانس پیتر پرونک<sup>۲۰</sup>، بتی زیمرمن<sup>۲۱</sup> (کانادا)، خوان سوموایا<sup>۲۲</sup> (شیلی)، جمال العطفی<sup>۲۳</sup> (مصر)، مختار لویس<sup>۲۴</sup> (اندونزی)، سرگشی لوزوف<sup>۲۵</sup> (شوروی)، الیه ما کونزو<sup>۲۶</sup> (زئیر)، گابریلگاریسیا مارکز<sup>۲۷</sup> (کلمبیا)، مصطفی مصمودی<sup>۲۸</sup> (تونس)، می چیوناگایی<sup>۲۹</sup> (ژاپن)، بوبلی جورج ورگس<sup>۳۰</sup> (هند).

مأموریت کمیسیون مطالعه چهار محور زیر بود:

- ۱- بررسی وضع موجود اطلاعات و ارتباطات در جهان.
- ۲- توجه خاص به مسایل مربوط به جریان آزاد و متعادل اطلاعات در جهان و همچنین نیازهای ویژه ممالک در حال توسعه در این زمینه.
- ۳- تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف مسایل ارتباطات، با توجه به چشم‌انداز استقرار نظم بین‌المللی نوین اقتصادی و ابتکارات لازم برای تسهیل برقراری یک "نظم جهانی نوین اطلاعات".
- ۴- تعیین نقش ارتباطات برای هوشیار سازی افکار، از طریق اقدامات هماهنگ ملی و بین‌المللی. (۲۶)

17. Fred Isaac Akporvaro Omu

18. Bogdan Osolnik

19. Hubert Beuve-Mery

20. Johannes Pieter Pronk

21. Betty Zimmerman

22. Juan Somavia

23. Gamal El - Oteifi

24. M. Lobis

25. Sergei Lozev

26. Elebe Ma Ekonzo

27. Gabriel Garcia Marquez

28. M. Masmoudi

29. Michio Nagai

30. Boobli George Verghese

کمسیون مذکور، پس از یک سال فعالیت، گزارش مقدماتی خود را به بیستمین اجلاس عمومی یونسکو تقدیم کرد. در این اجلاس، طرح تازه مدیر کل یونسکو در زمینه اعلامیه مربوط به وسایل ارتباط جمعی مورد بررسی قرار گرفت. کشورهای غربی اصرار داشتند که مقررات خاصی درباره احترام و پیشبرد حقوق بشر و آزادی بیان و اطلاعات، در متن اعلامیه گنجانده شود و از هر گونه اشارهای به مسئولیت دولتها در برابر فعالیت وسایل ارتباط جمعی آنها، خودداری گردد. بر عکس، ممالک سوسیالیستی بر این اعتقاد بودند که عینیت و مسئولیت در وسایل ارتباط جمعی، تفکیکناپذیرند. کشورهای جهان سوم نیز، در عین تأکید بر اصول اساسی اعلامیه، اصرار به درج اصول خاصی بودند که در کنفرانسهای جنبش غیر متعهدها مطرح شده بود. در این اجلاس، طرح مدیر کل با عنوان نهایی "اعلامیه یونسکو درباره اصول بنیادی مربوط به مساعدت وسایل ارتباط جمعی در تحکیم صلح، تفاهم بین المللی، پیشبرد حقوق بشر و مبارزه علیه نژاد پرستی، آپارتاید و تحریک به جنگ" به تصویب رسید. برای نخستین بار، یک سند بین المللی به تصویب رسید که در مقدمه آن از وقوف خاص کنفرانس عمومی به آرمانهای ممالک در حال توسعه برای برقراری یک "نظم جهانی نوین عادلانه تر و مؤثرتر اطلاعات و ارتباطات" سخن به میان آمده بود. (۲۷)

به طور کلی، در این اعلامیه، انتشار گسترده تر و متعادلتر اطلاعات، تضمین دستیابی همگان به اطلاعات، "... به خاطر آنکه هر کس بتواند نسبت به صحت اخبار اطمینان حاصل کند و عقیده خویش را درباره رویدادها، بر مبنای واقع بینانه استوار سازد..." (ماده ۲)، "... ضرورت به گوش رساندن صدای خلقهای ستمدیده..."، "... تصحیح نابرابریهای موجود در جریان اطلاعات به طرف یا از سوی کشورهای در حال توسعه و نیز بین این ممالک..." (ماده ۶)، را مورد توجه قرار می دهد.

مساعدت وسایل ارتباط جمعی به استقرار یک "نظم بین المللی نوین



اقتصادی" و نیز مقام ممتاز یونسکو برای مساعدت در برقراری شرایط یک "نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات" نیز به طور دقیق در اعلامیه، خاطر نشان گردیده است. (۲۸) درباره گزارش مقدماتی کمیسیون مک براید نیز بحث شد و قرار شد گزارش نهایی به اجلاس بعد ارائه شود.

گزارش کمیسیون مک براید در پاییز ۱۹۸۰ در بیست و یکمین اجلاس یونسکو که در بلگراد برگزار شد، تصویب گردید. همچنین، قطعنامه بسیار مهمی نیز راجع به برقراری "نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات" صادر گردید. به موجب این قطعنامه، استقرار نظم جهانی نوین اطلاعات بر اساس اصول مهمی استوار می‌شد، از جمله محو نابرابری و عدم تعادل ارتباطات و اطلاعات، محو آثار منفی بعضی از انحصارهای عمومی و خصوصی و تمرکزهای افراط آمیز در زمینه ارتباطات، رفع موانع داخلی و خارجی جریان آزاد و انتشار گسترده تر و متعادلتر اطلاعات و افکار، تعدد منابع و مجراهای اطلاعات، آزادی مطبوعات و اطلاعات، آزادی فعالیت روزنامه نگاران و تفکیک ناپذیری این آزادی از مسئولیت آنان، توانایی کشورهای در حال توسعه برای بهبود وضع ارتباطات آنان در انطباق با نیازها و آرمانهای ملی، احترام به هویت فرهنگی و امثال آنها.

همچنان که دیده می‌شود در این قطعنامه و گزارش نهایی مک براید که همزمان تصویب شده بود بر "جریان آزاد و متعادل اطلاعات" بین کشورهای جهان تأکید و تکیه شده است. همانگونه که گفته شد در شرایط فعلی انتقال و جریان آزاد اطلاعات بین کشورهای پیشرفته و در حال رشد، از عدم تعادل و عدم توازن شدیدی برخوردار است. کشورهای پیشرفته صنعتی با در اختیار داشتن بانکهای اطلاعاتی و سلطه بر سخت‌افزار و نرم‌افزارهای اطلاعاتی/ارتباطی، عملاً بر جریان اطلاعات تسلط دارند و می‌کوشند تا بر انتقال اطلاعات صنعتی و فنی به کشورهای در حال توسعه، به نفع خودشان، نظارت نمایند. لیکن در گزارش مک براید بر از میان برداشتن عدم توازن در

جریان اطلاعات بدون سلب آزادیها تکیه شده، و این در حالی است که آزادی فنی نقشه عامل ایجاد عدم توازن به نفع کشورهای پیشرفته صنعتی بوده است. آنتونی اسمیت می‌نویسد: شاید بتوان گفت که " کمیسیون مک براید " به خاطر یک سازش روشنفکرانه که مطلوب دست‌اندرکاران یونسکو بوده است تشکیل شد. گزارش که حاوی هزاران صفحه تحقیقات جدید است و بر صفحات پرورده‌های قدیمی و رنگ و رورفته موجود در یونسکو افزوده است، صرفاً گامی در جهت تشدید جنجال می‌باشد؛ چرا که در ورای بحث مربوط به برقراری نظام جدید اطلاعاتی، حقایق تاریخی نهفته است. مقابله با اثرات دراز مدت روانی استعمار و حفاظت جهان در مقابل تشدید فرایند وابستگی در اواخر سده بیستم و عصر الکترونیک پیشرفته و ماهواره‌های اطلاعاتی ابعاد واقعی این مسئله را تشکیل می‌دهند.

مصطفی مصمودی در بین شخصیتهای جهان سوم فردی است که بیش از دیگران در راه تحقق استقرار نظام نوین اطلاعاتی مبارزه کرده، و با تبعیت از کمیسیون مک براید از برقراری نظام اطلاعاتی جدید در یونسکو دفاع کرده است. او برای انجام این مهم شرایطی را تعیین می‌کند که بخشی از آن عبارت است از تهیه طرحی برای حذف اثراتی که دوران استعمار بر امر گردآوری، ویرایش، انتخاب و انتشار اخبار به جای گذارده است، و تهیه خط مشی ویژه اطلاعاتی / ارتباطی در سطح ملی توسط کشورهای در حال رشد که منجر به مبادله اطلاعات در سطح منطقه‌ای و محلی، مبادله کارشناس و روزنامه نگار شود و نیز همکاری با کشورهای توسعه یافته در جهت تأسیس رسانه‌ها و آموزش کارکنان وسایل ارتباط جمعی را فراهم آورد. (۲۹) کشورهای پیشرفته صنعتی با به کار گرفتن ماهواره‌های ارتباطی و نادیده گرفتن حاکمیت دولتها می‌کوشند تا به پخش برنامه رادیو و تلویزیونی خود در سراسر جهان پردازند. یکی از عوارض پخش برنامه‌های تلویزیونی، هجوم بی‌امان فرهنگ غربی به فرهنگ کشورهای جهان سوم خواهد بود.

توین بی، مورخ بزرگ انگلیسی، معتقد است که بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال رشد، منشوری وجود دارد. فرهنگ کشورهای پیشرفته غربی به این منشور می‌تابد و به اجزایی مستقل تجزیه می‌شود. با کمال تاسف کشورهای در حال رشد، بدترین و مبتذلترین جزء فرهنگ غربی را پذیرا می‌شوند. لوی استراوس، جامعه‌شناس فرانسوی، ضمن تأیید نظریه توین بی، این سؤال را مطرح می‌کند که کشورهای در حال رشد در انتخاب جزء مبتذل مختار و آزادند، یا اینکه به قبول این جزء مجبور می‌شوند؟ به هر حال برای مبارزه با این تهاجم فرهنگی، لازم است کشورهای در حال رشد به حمایت مادی و معنوی از هنرمندان خود همت گمارند، مشکلات و موانع صنعت نشر را بایستی از پیش پای ناشران و دست اندرکاران انتشار مجلات بردارند، و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی - بخصوص کتابخانه‌های عمومی و مدارس و تخصصی - را تقویت کنند. بدون شک جریان آزاد اطلاعات، در سطح ملی، موجب جلوگیری از فساد و تصمیمات خودکامه می‌گردد. زیرا تصمیم گیرندگان جامعه را وادار به پاسخگویی می‌سازد و باعث تصمیم‌گیریهایی منطقی در امور اقتصادی و مدیریت خواهد کرد و مشارکت مردم را در سرنوشت خود تسریع می‌کند.

اما در سطح بین‌المللی، آزادی جریان اطلاعات، بیشتر به نفع کشورهای پیشرفته است. به همین دلیل در پاییز ۱۹۸۳، در جریان برگزاری بیست و دومین اجلاس یونسکو، در ارتباط با استقرار "نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات" دولتهای غربی - بخصوص آمریکا - به مخالفت برخاستند و چون در اقلیت قرار گرفتند، سیاست تهدید خروج از یونسکو، به منظور به تعطیل کشاندن این سازمان جهانی را مطرح کردند. سرانجام در جریان همین

اجلاس، آمریکا رسماً اعلام کرد که در پایان دسامبر ۱۹۸۴ از یونسکو خارج خواهد شد و همین کار را هم کرد و انگلستان هم به پیروی از آمریکا یونسکو را ترك کرد. (۳۰) خروج آمریکا و انگلستان از نظر مالی، لطمه شدیدی به

یونسکو وارد کرد. اما کشورهای جهان سوم با تقویت کوششهای جنبش کشورهای غیر متعهد، برای تقویت و تحکیم استقلال فرهنگی کشورهای در حال رشد، در دهه اخیر کوششهای زیادی کرده‌اند. لیکن با مشکلات بزرگی که دولتهای سوسیالیستی با آنها روبرو شده‌اند و پیشرفت تکنولوژی ارتباطی - بخصوص استفاده از ماهواره‌های ارتباطی - آمریکا می‌کوشد تا حاکمیت دولتها را برای نظارت بر انتقال و جریان آزاد اطلاعات زیر پا بگذارد و نظم نوین اطلاعاتی را زیر سیطره خود قرار دهد. اما پیشرفت تکنولوژی اطلاعاتی و تولید انبوه و توزیع بسته‌های نرم‌افزاری اطلاعاتی و ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی این فرصت را برای کشورهای در حال رشد فراهم آورده که با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ و کوشش متعهدانه و آگاهانه برای اجرای آن برنامه و با استفاده از نیروی متخصص و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری اطلاعاتی نوین، تنگ‌اهریمنی انحصار سیطره بر انتقال اطلاعات را بشکنند و در روند تولید و انتقال اطلاعات به صورت متوازن و متعادل قرار گیرند. اما این کار، نیاز به سرمایه‌گذاری مادی در زمینه آموزش و پرورش، تقویت صنعت بشر، تقویت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی ملی، برنامه‌ریزی همه‌جانبه در زمینه‌های آموزش و پرورش و تحقیقات و مبارزه آگاهانه برای شناخت و تقویت هویت و فرهنگ ملی دارد و ایجاد همکاری لازم ارگانها و مؤسسات داخلی و ایجاد همکاری لازم با سایر کشورهای جهانی را دارد. از یاد نبریم که دهه ۱۹۹۰ را دهه "جامعه اطلاعاتی" می‌دانند.

### پانویسها

۱. ژان کازینو. قدرت تلویزیون. ترجمه علی اسدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴. ص. ۲۶.
۲. ابراهیم رشیدپور. آیینهای جیبی آقای مک لوهان. تهران: سروش، ۱۳۵۴. ص. ۴۶.
۳. همانجا. ص. ۵۰.
۴. ذبیح‌الله صفا. تاریخ ادبیات در ایران. جلد دوم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵. ص. ۱۴۶.
۵. ژان کازینو. قدرت تلویزیون... ص. ۳۹ - ۴۰.
۶. همانجا. ص. ۳۲ - ۳۳.

۷. یک جهان، چندین صدا (گزارش مک براید). ترجمه ایرج پاد، تهران: سروش، ۱۳۶۹، ص ۴۵ - ۴۹.
۸. ژان کارینو، قدرت تلویزیون .... ص ۳۸ - ۴۰.
۹. انتونی اسمیت. ژئوپتیک اطلاعات، ترجمه فریدون شیروانی، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲.
10. Mark Help-worth. "Geography of the Information Economy" *Inter-Media*, vol 18, no.1 ( Jan-Feb 1990 ) p.30.
11. Technology Transfer & Communication. Edited by Alan Hancock, Paris: Unesco, 1984. p. 12.
12. Mark Helpworth. *Ibid.* p.31.
۱۳. انتونی اسمیت. ژئوپتیک اطلاعات .... ص ۱۱۸.
۱۴. همانجا.
۱۵. همانجا. ص ۱۲۶.
16. Hamid Mowlana. *Global Information and World Communication*. London: Longman, 1990. p. 3 - 4.
17. *Ibid.*
18. *Ibid.*
۱۹. انتونی اسمیت. ژئوپتیک اطلاعات .... ص ۵۴.
۲۰. یک جهان، چندین صدا .... (مقدمه به قلم معتمدنژاد). ص ۱۹.
۲۱. همانجا. ص ۱۴.
۲۲. همانجا. ص ۱۵.
۲۳. همانجا. ص ۱۶ - ۱۷.
۲۴. الوین تافلر. جایجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: مترجم، ۱۳۷۰، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.
۲۵. یک جهان، چندین صدا .... ص ۱۹.
۲۶. همانجا ص ۲۰.
۲۷. همانجا ص ۲۱.
۲۸. همانجا ص ۲۱ - ۲۲.
۲۹. انتونی اسمیت. ژئوپتیک اطلاعات .... ص ۲۸ - ۳۲.
۳۰. همانجا ص ۲۷.